

مسلمانان! بدانید هر درآمدی که به دست می‌آورد، باید یک پنجمش را به این شش گروه بدهید: خدا، پیامبر، امامان معصوم، سادات یتیم فقیر، سادات نیازمند و سادات درراه مانده؛^۱ البته اگر واقعاً خدا و آیه‌هایی را باور کنید که در این باره بر بنده خود، محمد، در جنگ بدر فرستادیم؛ همان روز جدایی حق از باطل و روز رویارویی سپاه اسلام و کفر. خدا از عهده هر کاری برمی‌آید. ۴۱

در جنگ بدر شما در پایین دست منطقه جا گرفته بودید و دشمن در بالادست. کاروان تجاری دشمن هم با فرار از کنار ساحل، از چنگتان گریخته بود! اگر شما و دشمن قرار جنگ با هم گذاشته بودید، در صحنه نبرد حاضر نمی‌شدید؛ ولی همه چیز طوری پیش رفت که خواست حتمی خدا در پیروزی اسلام و شکست کفر، عملی شود تا هم اتمام حجتی باشد برای هر که می‌خواهد به بیراهه برود و هم اتمام حجتی باشد برای هر که می‌خواهد در راه راست قدم بگذارد؛ چون خدا شنوای داناست. ۴۲

به یاد بیاور که خدا، در خوابت، نیروهای دشمن را کم تعداد نشان داد. اگر زیاد نشانسان می‌داد، روحیه‌تان را می‌باختید و در مبارزه با دشمن دچار اختلاف می‌شدید؛ ولی خدا از شر ترس و دودستگی نجاتتان داد. بله، او خوب می‌داند هر آنچه را در دل‌ها می‌گذرد. ۴۳

به خاطر بیاورید که با دشمن روبه‌رو شدید: خدا تعداد نیروهایشان را در نگاهتان کم نشان داد و نیروهای شما را هم، قبل از شروع جنگ، در چشم آن‌ها کم نشان داد^۲ تا خدا خواست حتمی‌اش را در پیروزی اسلام و شکست کفر، عملی کند. بله، همه کارها به او ختم می‌شود. ۴۴

مسلمانان! وقتی با گروهی از نیروهای دشمن رودرو می‌شوید، ثابت قدم باشید و خیلی خدا را یاد کنید تا پیروز شوید. ۴۵

۱. در زمان غیبت امام عصر (عج) سه گروه اول در اختیار فقیه جامع‌الشرایط قرار می‌گیرد تا در راه تبلیغ و تقویت دین اسلام مصرف کند و سه گروه دوم با اجازه فقیه به سادات یتیم و فقیر و درراه مانده داده می‌شود.
 ۲. این کار خدا برای آن بود که نیروهای دشمن دچار غرور کاذب شوند و بی‌محابا حمله کنند؛ ولی در وسط کارزار، خدا زرمندگان اسلام را دوچندان جلوه داد (سوره آل عمران، آیه ۱۳، ص ۵۱) تا دشمن به وحشت بیفتد و روحیه خود را بپازد.

در میدان جنگ، دنباله رو خدا و رسولش باشید و با هم جزو بحث نکنید که روحیه تان را می‌بازید و نیرویتان تحلیل می‌رود! به جای آن، مقاومت کنید که خدا در کنار اهل صبر است. ۴۶ همین طور، مانند نیروهای دشمن نباشید که مغرورانه و برای نمایش قدرت، از مکه خارج شدند و به منطقه بدر آمدند. آن‌ها مانع بندگی خدا می‌شوند. البته خدا به کارهایشان مسلط است. ۴۷

یادتان باشد که شیطان، لشکرکشی علیه مسلمانان را در نظر بی‌دین‌ها رنگ و لعاب داد و گفت: «امروز، مسلمانان اصلاً نمی‌توانند شکستتان بدهند. خودم پشت و پناهتان هستم!» ولی همین‌که دو طرف در برابر هم به خط شدند، شیطان فوری پا به فرار گذاشت و گفت: «من دیگر کاری به کارتان ندارم! چون من فرشتگانی را می‌بینم که برای یاری مسلمانان آمده‌اند و شما آن‌ها را نمی‌بینید. اصلاً من از خدا می‌ترسم!» بله، مجازات خدا شدید است. ۴۸

از آن طرف، منافق‌ها و افراد ضعیف‌ایمان درباره رزمندگان مسلمان به مسخره می‌گفتند: «شوق شهادت آن‌ها را به جبهه کشانده!» البته هر که به خدا توکل کند، پیروز است. آخر، خدا شکست‌ناپذیرِ کاردرست است. ۴۹

کاش می‌دیدید فرشتگانِ مسئولِ قبض روح، وقتی جان بی‌دین‌ها را می‌گیرند، چطور بر سروصورت و پشت و پهلوی آن‌ها می‌زنند و می‌گویند: «بچشید عذاب سوزان جهنم را!» ۵۰ این عذاب، تقاص همان کارهایی است که قبلاً کرده‌اید؛ وگرنه خدا که به بندگان کمترین ظمی نمی‌کند. ۵۱

رفتارشان مثل رفتار قبلی‌هایشان به ویژه فرعونیان است: آیه‌ها و نشانه‌های خدا را دروغ دانستند. خدا هم به سزای گناهانشان گریبانشان را گرفت. آخر، خدا نیرومند است و مجازاتش شدید. ۵۲

این مجازات برای آن است که خدا ناز و نعمت هیچ ملتی را به بلا و فلاکت تغییر نمی‌دهد؛ مگر آنکه خودشان رفتارشان را تغییر دهند. همین‌طور، برای آن است که خدا حرف‌هایشان را می‌شنود و کارهایشان را می‌داند. ۵۳

روش آن‌ها درست مانند روش فرعونیان و کسانی است که قبل از آن‌ها بودند: آیه‌ها و نشانه‌های خدا را دروغ دانستند و ما هم به‌سزای گناهانشان نابودشان کردیم و آن فرعونیان را در دریا غرق ساختیم. بله، همگی بدکار بودند. ۵۴

بدترین جنبندها، از نظر خدا، یهودی‌های مدینه‌اند: بی‌دینی چنان در دل‌هایشان لانه کرده است که دیگر ایمان نمی‌آورند؛ ۵۵ همان‌ها که هر بار با سرانشان عهد می‌بندی، عهدشان را می‌شکنند و از عهدشکنی هم باکی ندارند. ۵۶

پس اگر روزی در خط مقدم جبهه دست به آن‌ها رسید، چنان عرصه را بر آن‌ها تنگ کن که عقبه آن‌ها از وحشت تارومار شوند تا عاقبت عهدشکنی را لمس کنند. ۵۷ اگر هم برای جنگ با شما به جبهه نیامدند، ولی با شواهد قطعی از عهدشکنی‌شان می‌ترسی، مقابله به مثل کن و عهدشان را بینداز جلوی‌شان! چون خدا خیانتکارها را دوست ندارد. ۵۸ بی‌دین‌های عهدشکن خیال نکنند با این خیانت‌ها از دستمان فرار می‌کنند! آن‌ها نمی‌توانند حریف ما شوند. ۵۹

برای مقابله با دشمن، هر چه می‌توانید نیرو و تجهیزات نظامی آماده کنید تا بدین وسیله، دشمنان خدا و خودتان را به وحشت بیندازید و نیز دشمنان پشت‌صحنه‌ای را که آن‌ها را نمی‌شناسید، ولی خدا آن‌ها را می‌شناسد! هر چیزی را که در راه خدا خرج کنید، در قیامت به شما کامل پس می‌دهند و حقی از شما ضایع نمی‌شود. ۶۰

اگر برای صلح و سازش ابراز تمایل کردند، به آن تمایل نشان بده و به خدا توکل کن؛ زیرا فقط اوست که حرف‌هایشان را می‌شنود و نقشه‌هایشان را می‌داند. ۶۱

۱. جمله اول این آیه با خوش‌سلیقگی تمام بالای آرم سازمانی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران حک شده است. به همین خاطر، این سازمان مقدس از همان اوایل پیروزی انقلاب، به تربیت نیرو، تحقیق و توسعه تجهیزات دفاعی، بومی‌سازی فناوری‌های پیشرفته نظامی مشغول بوده است و الان که در آغاز چهل‌سالگی دوم انقلاب هستیم، پیشرفت‌ها و فعالیت‌های سپاه حتی در بخش‌های غیرنظامی، نه تنها مایه مباهات نظام اسلامی و ملت عزیز ایران شده است، بلکه مسلمانان و مظلومان و آزادی‌خواهان جهان هم به آن می‌بالند.

اگر هم بخواهند با پیشنهاد صلح فریب دهند، جای نگرانی نیست؛ چون خدا برای تو بس است. او بود که با امداد غیبی خودش و کمک مسلمانان، از تو پشتیبانی کرد ۶۲ و دل‌های مسلمانان را به هم مهربان کرد که به فرض هم، تمام دارایی‌های روی زمین را خرج می‌کردی، نمی‌توانستی دل‌هایشان را به هم مهربان کنی؛ ولی خدا دل‌هایشان را به هم مهربان کرد؛ چون او شکست‌ناپذیرِ کاردرست است. ۶۳ پیامبر! خدا بس است برای تو و برای مسلمانانی که دنباله‌رو تو هستند. ۶۴ پیامبر! مسلمانان را به جنگ با دشمن تشویق کن. اگر افراد ثابت‌قدمتان بیست نفر بودند و نیروهای دشمن دویست نفر، باید در برابرشان می‌جنگیدند تا پیروز شوند. اگر هم از شما صد نفر بودند و آن‌ها هزار نفر، باید در برابرشان می‌جنگیدند تا پیروز شوند؛ زیرا دشمنان فهم درستی از کمک‌های غیبی و ارزش شهادت ندارند. ۶۵

اما هم‌اکنون خدا به شما تخفیف داد و فهمید که ایمان و روحیه‌تان ضعیف شده است. از این به بعد اگر نیروهایتان صد نفر بودند و نیروهای دشمن دویست نفر، باید در برابرشان مقاومت کنند تا به خواست خدا پیروز شوند. اگر هم از شما هزار نفر بودند و آن‌ها دوهزار نفر، باید در برابرشان مقاومت کنند تا به خواست خدا پیروز شوند؛ چون خدا در کنار اهل صبر است. ۶۶

هیچ پیامبری حق ندارد در حین عملیات اسیر بگیرد، تا وقتی جایای خود را در خط مقدم سفت کند. شما به بهانه گرفتن اسیر، دنبال منافع مادی هستید؛ ولی خدا برای شما آخرت را می‌خواهد. خدا شکست‌ناپذیرِ کاردرست است. ۶۷ اگر خدا اصل اسیرگرفتن را جایز نکرده بود، برای اقدام بی‌موقتان در گرفتن اسیر در جنگ بدر، عذابی بی‌اندازه به سرتان می‌آمد! ۶۸ به‌هرحال، از غنائم جنگی به‌شیوه‌ای حلال و پاکیزه استفاده کنید و از این به بعد، مراقب رفتارتان باشید. خدا آمرزندهٔ مهربان است. ۶۹

۱. این تخفیف دربارهٔ حملهٔ ابتدایی است؛ اما دربارهٔ دفاع از اسلام و انقلاب و آب‌و‌خاک کشور اسلامی هیچ تخفیفی وجود ندارد. به‌هرحال، در حمله و دفاع، روشن است که تشخیص و تصمیم‌گیری و فرماندهان عالی‌رتبهٔ نظام ملاک است.

پیامبر! به اسیرانی که در جنگ شمایند، بگو: «اگر خدا ببیند که حرف حق اثری در دل هایتان می‌گذارد، از مالی که در برابر آزادی‌تان از شما گرفته شده، بهترش را به شما می‌دهد و شما را می‌آمرزد. آخر، خدا آمرزندهٔ مهربان است.» ۷۰ ولی اگر بخواهند بعد از آزادی، با حضور در جنگ دیگری به تو خیانت کنند، چیز تازه‌ای نیست. آن‌ها قبلاً هم به خدا خیانت کرده‌اند. خدا هم تو را بر آن‌ها مسلط کرده و می‌کند؛ چون خدا دانای کاردرست است. ۷۱

مسلمانانی که هجرت کردند و با مال و جانشان در راه خدا جنگیدند، یعنی مهاجران، و مسلمانانی که پناهشان دادند و کمکشان کردند، یعنی انصار، بر یکدیگر ولایت دارند؛^۱ ولی کسانی که مسلمان شدند و مهاجرت نکردند، هیچ‌گونه مسئولیتی در برابرشان ندارید. تنها اگر در محدودهٔ مسائل دینی از شما کمک بخواهند، باید کمکشان کنید؛ مگر اینکه کمکتان به ضرر ملت و مملکتی باشد که بین شما و آن‌ها پیمان ترک خصومت بسته شده است. بله، خدا کارهایتان را می‌بیند. ۷۲

بی‌دین‌ها هم فقط دوست و دلسوز همدیگرند، نه دوست و دلسوز شما! اگر به این سفارش‌ها عمل نکنید، فتنه و فساد بزرگی در زمین، به‌ویژه در جامعهٔ اسلامی، رخ می‌دهد! ۷۳

مسلمانانی که مهاجرت کردند و در راه خدا جنگیدند و مسلمانانی که پناهشان دادند و کمکشان کردند، آنان همان مؤمنان واقعی‌اند و آموزش و روزی‌های بهشتی نصیبشان می‌شود. ۷۴ همچنین، کسانی که بعداً اسلام آوردند و مهاجرت کردند و همراهتان در راه خدا جنگیدند، جزو شمایند. البته طبق کتاب خدا، خویشاوندان در ارت‌بردن از همدیگر، مقدّم‌اند بر دیگران. واقعاً خدا هر چیزی را می‌داند. ۷۵

۱. آن‌ها در سه چیز بر یکدیگر ولایت دارند: ۱. از هم ارت‌بیرند؛ ۲. همدیگر را یاری کنند؛ ۳. اگر یکی‌شان به غیرمسلمانی پناهنده‌گی داد، بقیه به او احترام بگذارند. البته نکتهٔ اول با آیهٔ آخر همین سوره و آیهٔ ۶ سورهٔ احزاب (ص ۴۱۸) منتفی شد. نکتهٔ سوم هم فعلاً اجرایی نیست؛ زیرا پناهنده‌گی بیگانگان به کشور اسلامی، مقررات خاص خودش را دارد و از حالت شخصی و سلیقه‌ای خارج شده است.

سوره توبه

بدین وسیله، خدا و پیامبرش قطع رابطه خود را از بت پرست‌هایی اعلام می‌کنند که با آن‌ها عهد بسته بودید و آن‌ها نقضش کردند. ۱ پس شما عهدشکن‌ها تا چهار ماه دیگر فرصت دارید که در مکه و اطرافش رفت‌وآمد کنید و بدانید نمی‌توانید حریف خدا شوید؛ بلکه خداست که بی‌دین‌ها را خوار می‌کند. ۲

خدا و پیامبرش در همین روز عید قربان به مردم اعلام می‌کنند: «خدا و پیامبرش با بت پرست‌ها قطع رابطه کرده‌اند!» پس، به نفعتان است که دست از عهدشکنی بردارید و مسلمان شوید؛ ولی اگر به عهدشکنی ادامه دهید، هرگز نمی‌توانید حریف خدا شوید. به این بی‌دین‌ها عذابی زجرآور مژده بده! ۳

اما بت پرست‌هایی که با آن‌ها عهد بسته‌اید و آن‌ها از تعهدات خودشان به شما چیزی کم نگذاشته‌اند و از کسی برضدتان پشتیبانی نکرده‌اند، عهدشان را تا پایان مدتش محترم بشمارید؛ زیرا خدا آنانی را که به عهدهایشان پایبندند، دوست دارد. ۴

وقتی آن مهلت چهارماهه تمام شد، هر جا که بت پرست‌ها را گیر آوردید، بسته به شرایط، بکشیدشان یا به اسارتشان بگیرید یا محاصره‌شان کنید یا در هر کمینگاهی به کمینشان بنشینید؛ ولی اگر از بت پرستی توبه کنند و نماز را با آدابش بخوانند و صدقه بدهند، کاری به کارشان نداشته باشید؛ چون خدا آمرزنده

مهربان است. ۵

تازه، اگر هر بت پرستی برای پرس‌وجو درباره اسلام از تو امان خواست، امانش بده تا کلام خدا را بشنود. آن وقت، او را به محل امنی برسان. حکمت این امان دادن آن است که بت پرست‌ها مردمی ناآگاه‌اند و باید به آن‌ها فرصت

تحقیق داد. ۶

با آن همه عهدشکنی، دیگر چطور عهد بت پرست ها پیش خدا و پیامبرش محترم باشد؟! البته کسانی که با آن ها در کنار مسجدالحرام پیمان ترک خصومت بسته‌اید، استثنا هستند: پس تا وقتی پای حرفشان ایستاده‌اند، پای حرفتان بایستید؛ زیرا خدا آنانی را که به عهدهایشان پایبندند، دوست دارد. ۷

بله، چطور عهدشان محترم باشد؟! حال آنکه اگر بر شما غلبه کنند، نه حق خویشاوندی را رعایت خواهند کرد و نه عهدشان را! چون با چرب زبانی، اعتمادتان را جلب می‌کنند؛ ولی در دل هایشان غیر از آن چیزی است که به زبان می‌آورند و بیشترشان عهدشکن‌اند. ۸ برای حفظ منافع مادی خودشان به آیه‌های خدا بی‌محل می‌کنند و مانع بندگی‌اش می‌شوند. واقعاً رفتار بدی از خودشان نشان می‌دهند! ۹

نه تنها درباره شما، بلکه درباره هیچ مسلمانی، نه حق خویشاوندی را رعایت می‌کنند و نه عهدشان را. آن‌ها حقیقتاً تجاوزکارند؛ ۱۰ ولی اگر از بت پرستی توبه کنند و نماز را با آدابش بخوانند و صدقه بدهند، برادران دینی‌تان به حساب می‌آیند. بله، آیه‌های خودمان را برای مردم خوش فهم توضیح می‌دهیم. ۱۱

اگر هم به عهدشکنی ادامه دهند و درباره دینتان زبان به نیش و کنایه بگشایند، دیگر، رهبران کفر به حساب می‌آیند. پس با آن‌ها بجنگید؛ زیرا به هیچ تعهدی پایبند نیستند. باشد که با این شدت عمل، دست از عهدشکنی بردارند. ۱۲

آیا نمی‌خواهید بجنگید با این جماعتی که عهدهایشان را شکستند و مصمم بودند پیامبر را از مکه اخراج کنند؟! همان‌ها بودند که اولین بار جنگ با شما را آغاز کردند! نکند از آن‌ها می‌ترسید؟! اگر مؤمنید، جا دارد که در درجه اول از خدا حساب ببرید. ۱۳

با آن‌ها بجنگید تا خدا به دست شما عذابشان کند، خوارشان کند، بر آن‌ها پیروزتان کند، دل مسلمانان را خنک کرده و خشم دلشان را فرو بنشانند. البته خدا به هرکه شایسته ببیند، توفیق توبه از بت پرستی می‌دهد؛ چون خدا دانای کار درست است. ۱۴ ۱۵

نکنند خیال می‌کنید همین‌طور آزمایش نشده، رهایتان می‌کنند، بی‌آنکه خدا رزمندگان را شناسایی کند؟! همانان که جز برای او و پیامبرش و مسلمانان سفره دلشان را باز نمی‌کنند. بله، خدا آگاه است که چه می‌کنید. ۱۶

بت پرست‌هایی که به بی‌دینی خودشان اعتراف می‌کنند، حق ندارند از مسجدها و مکان‌های عبادی نگهداری کنند! کارهای خوبی هم که احياناً از آن‌ها سرزده است، هدر می‌رود و این جماعت در آتش ماندنی‌اند. ۱۷

نگهداری مسجدها و مکان‌های عبادی فقط به عهده آنانی است که خدا و روز قیامت را باور دارند و نماز را با آدابش می‌خوانند و صدقه می‌دهند و فقط از خدا حساب می‌برند. امید است آنان در صف هدایت یافته‌ها قرار بگیرند. ۱۸

آیا کار آب‌رسانی و اداره امور حاجیان و نگهداری مسجد الحرام را که از روی ایمان به خدا و روز قیامت نبوده است، یکسان می‌گیرید با کار آنانی که خدا و روز قیامت را باور دارند و در راه خدا مبارزه می‌کنند؟! نه، این دو از نظر خدا یکسان نیستند. خدا دست مردم بدکار را نمی‌گیرد. ۱۹

آنان که اسلام بیاورند و در راه خدا مهاجرت کنند و با مال و جانشان بجنگند، در پیشگاه خدا مقامی بسیار برتر دارند و آنان همان مردم کامیاب‌اند. ۲۰

خدا به آنان، از طرف خودش، مژده رحمت و رضایت می دهد و نیز مژده باغ های پردرختی که در آن، نعمت هایی پایدار نصیبشان می شود ۲۱ و همیشه آنجا ماندنی اند. خداست که چنین پاداش های بزرگی در اختیار دارد. ۲۲

مسلمانان! در صورتی که پدران و برادرانتان بی دینی را بردین داری ترجیح داده اند، با آن ها رابطه عمیق و عاطفی برقرار نکنید و آن ها را کس و کار خود نگیرید. هریک از شما چنین ارتباطی با آن ها برقرار کند، به یقین بدکار است. ۲۳ پیامبر! به مسلمانان گوشزد کن: «اگر پدران و مادرانتان، فرزندان، برادران و خواهرانتان، همسرانتان، قوم و خویشان، اموالی که به دست آورده اید، کسب و کاری که از کسادی اش نگرانید و خانه هایی که به آن دل خوش کرده اید، برایتان دوست داشتنی تر از خدا و پیامبرش و جهاد در راه خداست، پس منتظر باشید که خدا مردمی را به صحنه می آورد که برایشان، خدا و پیامبرش و جهاد در راه خدا از هر چیزی دوست داشتنی تر است. خدا دست مردم منحرف را نمی گیرد.» ۲۴

خدا در جبهه های مختلفی کمکتان کرده است، به ویژه در جنگ حنین که از کثرت نیروهایتان، ذوق زده و مغرور شده بودید؛ ولی نه تنها آن همه نیرو اصلاً به دردتان نخورد، بلکه در حمله غافلگیرانه دشمن، عرصه بر شما تنگ شد. دست آخر هم، پشت به دشمن کردید و فرار را بر قرار ترجیح دادید! ۲۵ آن وقت، خدا آرامشش را بر پیامبرش و بر مؤمنان حکم فرما ساخت و سپاهیان نامرئی خود را برای یاری شان فرستاد و دشمنان بی دین را به شکست مفتضحانه کشاند. سزای بی دین ها همین است. ۲۶

تازه، خدا بعد از این واقعه، به هر مسلمان فراری یا بی‌دین شکست خورده‌ای که صلاح می‌دانست، توفیق توبه داد. آخر، خدا آمرزندهٔ مهربان است. ۲۷

مسلمانان! بت پرست‌ها آدم‌هایی پست و پلیدند؛ بنابراین، نباید از امسال به بعد به مکه بیایند و به مسجد الحرام نزدیک شوند. اگر هم از فقر و فشار اقتصادی ناشی از قطع رابطه با آن‌ها نگرانید، خدا این‌شاء الله از لطف خودش بی‌نیازتان خواهد کرد؛ زیرا خدا دانای کار درست است. ۲۸

با اهل کتاب یعنی مسیحی‌ها، یهودی‌ها، صابئی‌ها و مجوسی‌ها که ایمان و اعتقاد صحیحی به خدا و روز قیامت ندارند و آنچه خدا و پیامبرش حرام کرده‌اند، حرام نمی‌دانند و برنامهٔ درست زندگی را نمی‌پذیرند، بجنگید تا از سر تسلیم و تواضع در برابر حکومت قدرتمند اسلامی، تن به جزیه دهند. ۲۹

یهودی‌ها ادعا می‌کردند که عزیر پسر خداست. مسیحی‌ها هم ادعا می‌کردند که مسیح پسر خداست! این‌ها حرف‌های بی‌اساسی است که به زبان می‌آورند و از جنس همان حرف‌های بت پرست‌هایی است که قبل از آن‌ها زندگی می‌کرده‌اند. خدا بکشدشان که چطور با این عقاید خرافی از مسیر حق به انحراف کشیده می‌شوند! ۳۰

یهودی‌ها و مسیحی‌ها به جای خدا، روحانیان و راهبان‌شان^۲ را ارباب‌های خود می‌دانند و به علاوه، مسیحی‌ها مسیح پسر مریم را هم معبود خودشان قرار داده‌اند؛ درحالی‌که فقط مأمور بودند یگانه معبودی را بپرستند که معبودی جز او نیست. منزّه است او از این عقاید خرافی‌شان. ۳۱

۱. «جزیه» مالیات سرانهٔ سالانه و نوعی کمک مالی است که دولت اسلامی از اهل کتاب می‌گیرد، آن هم در برابر مسئولیتی که برای تأمین امنیتشان بر عهده دارد. این درآمد صرف هزینه‌های دفاعی در برابر تهدیدها و حمله‌های دشمنان خارجی می‌شود. به جایش، جهاد بر مسلمانان واجب است؛ اما بر اهل کتاب ساکن در کشور اسلامی، نه. البته در حال حاضر و در ایران اسلامی، بنا به مصالحی، از اهل کتاب جزیه نمی‌گیرند و امنیتشان هم برقرار است.

۲. در این باره، آیهٔ ۸۲ سورهٔ مائده (ص ۱۲۱) را ببینید.

فضای نورانی آموزه‌های دینی را می‌خواهند با حرف‌های بی‌ارزش، تیره‌وتار کنند؛ ولی خدا جز این نمی‌خواهد که این دین نورانی را تابنده و پاینده کند؛ هرچند بی‌دین‌ها خوششان نیاید! ۳۳ او کسی است که پیامبرش محمد را با نشانه‌های راهنما و برنامه‌ی درست زندگی فرستاد تا اسلام را بر همه‌ی دین‌ها برتری دهد؛ هرچند بت‌پرست‌ها خوششان نیاید. ۳۳

مسلمانان! خیلی از روحانی‌های یهودی و راهب‌های مسیحی با فروختن قبالة بهشت و خریدن گناهان مردم، اموال آن‌ها را بالا می‌کشند و مانع بندگی خدا می‌شوند. به کسانی که سرمایه‌ی راكد، به صورت طلا و پول، روی هم انباشته می‌کنند و در راه خدا هزینه‌اش نمی‌کنند،^۲ عذابی زجرآور مژده بده! ۳۴ منظور، روزی است که آن اموال انباشته شده را در آتش جهنم، گرم و گداخته می‌کنند و پیشانی و پهلو و پشتشان را با آن داغ می‌نهند و می‌گویند: «این همان ثروتی است که برای خودتان ذخیره می‌کردید! بچشید آنچه شب و روز مشغول جمع‌آوری‌اش بودید!» ۳۵

تعداد ماه‌های سال قمری از نظر خدا، در نظام آفرینش و از روزی که خدا آسمان‌ها و زمین را آفرید، دوازده ماه است که چهار ماه آن یعنی رجب، ذی‌قعدة، ذی‌حجه و محرم ماه‌های حرام به‌شمار می‌آید. این یکی از برنامه‌های استواری است که ضامن خوشبختی است. پس با جنگ و خون‌ریزی در ماه‌های حرام، به خودتان بد نکنید. با همه‌ی بت‌پرست‌ها بجنگید؛ همان‌طور که آن‌ها با همه‌ی شما می‌جنگند. البته زیاده‌روی نکنید و بدانید خدا در کنار خودمراقبان است. ۳۶

۱. از این آیه به خوبی برمی‌آید که روزی دین اسلام در سرتاسر جهان گسترش خواهد یافت. در روایات فراوانی آمده است که خدای مهربان به‌دست حضرت مهدی علیه السلام این وعده را اجرا خواهد کرد.

۲. بنابراین، گذاشتن سرمایه روی سرمایه و استفاده نکردن از آن در مسیر رونق اقتصادی جامعه یا کمک به نیازمندان، عذابی زجرآور به همراه دارد! آیه ۱۹ سورة ذاریات (ص ۵۲۱) و پاورقی‌اش را هم ببینید.

با جابه‌جا کردن ماه‌های حرام، بی‌دینی بیشتر شد؛ طوری که با آن، بت‌پرست‌ها به گمراهی کشیده شدند: یک سال، ماه حرام را حلال می‌کردند و به جایش ماه حلال را حرام، تا بتوانند در ماه‌های حرام، قتل و غارت کنند؛ البته سال دیگر، ماه‌های حرام و حلال را سر جای اصلی‌اش برمی‌گرداندند تا به خیال خودشان، تعداد چهار ماهی را که خدا حرام کرده است کم و زیاد نکرده باشند! کارهای زشت بت‌پرست‌ها در نظرشان رنگ‌ولعاب داده شده بود. خدا دست جماعت بت‌پرست را نمی‌گیرد. ۳۷

مسلمانان! چه‌تان شده که وقتی به شما فرمان داده می‌شود: «به طرف جنگ و جبهه حرکت کنید»، به زمین چسبیده‌اید و از جایتان تکان نمی‌خورید؟! نکنند به جای آخرت، به زندگی دنیا دل بسته‌اید؟! بدانید زندگی دنیا در برابر آخرت، بسیار ناچیز و زودگذر است. ۳۸

اگر به طرف جبهه حرکت نکنید، خدا با عذابی زجرآور نابودتان می‌کند و گروهی غیر از شما را به جایتان می‌آورد. در ضمن، با این کوتاهی‌تان ضرری به خدا نمی‌زنید؛ بلکه دودش به چشم خودتان می‌رود. بله، خدا از عهده‌هر کاری برمی‌آید. ۳۹

اگر پیامبر را کمک نکنید، خدا کمکش می‌کند؛ همان‌طور که قبلاً کمکش کرد؛ وقتی بت‌پرست‌های مکه با نقشه‌تروور مجبورش کردند به فرار از آنجا، درحالی که کسی همراهش بود، گریخت و به غار ثور پناه برد. پیامبر به همراهش دائم گوشزد می‌کرد: «نگران نباش! خدا با ماست.» پس خدا آرامش خودش را بر پیامبر حکم فرما ساخت و با سپاه‌هایی نامرئی کمکش کرد و نقشه‌بت‌پرست‌ها را در قتل پیامبر و ریشه‌کنی اسلام نقش بر آب کرد. وعده‌خدا در یاری پیامبر و برتری اسلام، همیشگی است؛ چون خدا شکست‌ناپذیر کاردرست است. ۴۰

۱. مردم عرب در زمان جاهلیت، گاهی جای یکی از ماه‌های حرام را عوض می‌کردند؛ معمولاً محرم را با صفر. چرا؟ چون تحمل برقراری آتش‌بس در سه ماه پشت سر هم (ذی‌قعدة و ذی‌حجه و محرم) برایشان مشکل بود و آن را موجب ضعیف شدن روحیه و رکود قتل و غارت می‌دانستند! بله، عرب جاهلی علاقه‌عجیبی به قتل و غارت داشت و این تغییر ماه‌ها باعث می‌شد که آتش جنگ و جنایت همچنان شعله‌ور بماند و فلسفه‌ماه‌های حرام و حرمت جنگ در آن‌ها بی‌اثر شود.

۲. از آیه ۳۸ تا پایان این سوره، درباره‌جنگ تبوک است: جنگ مسلمانان با امپراتوری روم شرقی که به راحتی جنگ با بت‌پرست‌های مکه یا یهودی‌های خیبر نبود و مسلمانان می‌بایست برای این درگیری بزرگ حسابی آماده می‌شدند. به علاوه، فاصله‌میان مدینه و سرزمین روم زیاد بود و از همه گذشته، گرمای تابستان بود و زمان برداشت محصول. همه این‌ها دست‌به‌دست هم داده و رفتن به جبهه و جنگ را خیلی مشکل کرده بود.

خواه مانع و مشغله داشته باشید یا نه، باید عازم جبهه شوید و با مال و جانتان در راه خدا بجنگید. این برایتان بهتر است؛ البته اگر به آثار و برکاتِ جهاد در راه خدا پی برده باشید. ۴۱

اگر غنیمتی در کار بود که به آسانی به دست می‌آمد و جبهه هم نزدیک بود، منافق‌ها دنبال راه می‌افتادند! ولی رفتن به منطقهٔ دوردستِ تبوک به نظرشان طاقت فرسا می‌آمد. البته از جبهه که برگشتید، به خدا قسم خواهند خورد: «اگر می‌توانستیم، با شما می‌آمدیم جبهه!» آن‌ها با دغل‌بازی، خودشان را به هلاکت می‌اندازند و خدا خوب می‌داند که آن‌ها دروغ‌گویند. ۴۲

خدا خیرت بدهد! چرا قبل از آنکه برایت مشخص شود چه کسانی راست می‌گویند و چه کسانی اهل دروغ‌اند، به آن‌ها اجازه دادی به جبهه نیایند؟ ۴۳
 رزمندگانی که خدا و روز قیامت را واقعاً باور دارند، هرگز برای نیامدن به جبهه و جهاد نکردن با مال و جانشان، نمی‌آیند از تو اجازه بگیرند. خدا حال این رزمندگانِ گوش‌به‌فرمان را می‌داند. ۴۴

فقط کسانی برای فرار از جبهه از تو عذر و اجازه می‌خواهند که خدا و روز قیامت را واقعاً باور ندارند و شک به دل‌هایشان افتاده است و مُدام در شک خود سرگردان‌اند. ۴۵ اگر واقعاً می‌خواستند به جبهه بیایند، می‌جنبیدند و اسباب سفر آماده می‌کردند! ولی به خاطر نفاقشان، خدا رغبتی به همراه شدنشان با سپاه اسلام نداشت و برای همین، توفیق حضور در جبهه را از آن‌ها گرفت. به طعنه به آن‌ها گفته شد: «مثل زنان و کودکان خانه‌نشین، در خانه بنشینید!» ۴۶

به فرض هم با شما به جبهه می‌آمدند، فقط مایهٔ شر برای شما می‌شدند! با بودن افراد زودباور در میانتان که تحت تأثیر حرف‌های آن‌ها قرار می‌گیرند، برای خالی کردن دلتان به سرعت در میانتان رخنه می‌کردند. خدا حال بدکارها را خوب می‌داند. ۴۷

البته قبل از این هم، دنبال کارشکنی و فتنه‌گری بوده‌اند و اوضاع را به ضررتو به هم می‌ریختند تا اینکه بالاخره حق آمد و برخلاف میلشان اسلام پیروز شد. ۴۸ بعضی منافق‌ها به پیامبر می‌گفتند: «اجازه بده به جبهه نیاییم و ما را به دردرس نینداز!» بدانید آن‌ها با نفاق خودشان همین الان هم به دردرس افتاده‌اند! بله، به یقین جهنم این قبیل بی‌دین‌ها را محاصره کرده است. ۴۹

اگر در جبهه، پیروزی و غنیمتی نصیب شود، ناراحتشان می‌کند و اگر دچار شکست و خسارتی بشوی، می‌گویند: «خوب شد که از اول، تصمیم درستی گرفتیم و به جبهه نرفتیم» و خوشحال به خانه‌هایشان برمی‌گردند. ۵۰

بگو: «دچار هر حادثه‌ای شویم، قطعاً خدا به نفعمان مقدرش کرده است؛ چون او همه‌کاره ماست. بله، مؤمنان باید فقط به خدا توکل کنند.» ۵۱ به علاوه، بگو: «جز شهادت و پیروزی که هر دو هم خوب‌اند، مگر انتظار عاقبت دیگری را برای ما می‌کشید؟! ولی ما درباره شما انتظار می‌کشیم که خدا از طرف خودش یا به دست ما، به عذابی سخت دچارتان کند! پس چشم‌به‌راه باشید که ما هم با شما چشم‌به‌راه می‌مانیم!» ۵۲

باز بگو: «چه از روی اراده و اختیار و چه از سررودریاستی و سرپوش‌گذاشتن بر فرار از جهاد، مبلغی به مصرف جبهه برسانید، هرگز از شما پذیرفته نمی‌شود؛ چون شما مردمی منحرفید.» ۵۳ موانع پذیرفته شدن کمک مالی‌شان به جبهه‌ها این‌هاست: آن‌ها خدا و رسولش را واقعاً باور نکرده‌اند، همیشه با بی‌حالی نماز می‌خوانند و همواره با کراهت به جبهه‌ها کمک مالی می‌کنند! ۵۴

نکنند مات و مبهوت اموال و اولاد فراوانشان شوی! خدا می خواهد با همین ها، زمینۀ عذاب را در زندگی دنیا برایشان آماده کند و جان کندها هم در حال دل بستگی به دنیا و بی اعتقادی به خدا باشد. ۵۵

آن ها به خدا قسم می خورند که جزو شما نیستند؛ درحالی که نه تنها جزو شما نیستند، بلکه جماعتی بسیار بزدل اند! ۵۶ به وقت خطر، اگر پناهگاه یا غار یا سوراخ موشی پیدا کنند، هراسان و شتابان به درونش می خزند! ۵۷

بعضی هایشان در تقسیم زکات، به تو ایراد می گیرند. اگر سهمی از زکات به آن ها برسد، راضی می شوند؛ ولی اگر سهمی از زکات به آن ها نرسد، یک دفعه عصبانی می شوند! ۵۸ کاش به همان مقداری که خدا و پیامبرش به آن ها می دهند، راضی شوند و بگویند: «خدا برایمان بس است. خدا و رسولش از نعمت های بیش از اندازه الهی به ما خواهند داد. ما به خدا رو کردیم و بس.» ۵۹

زکات فقط برای این ها باید مصرف شود: فقیران، درماندگان، متصدیان جمع آوری و پخش زکات، جذب دل ها به اسلام، آزادی بردگان، ادای قرض بدهکاران، در راه مانده ها و در راه خدا. این هشت راه مصرف زکات، از طرف خدا واجب شده است و با ایرادگیری های منافق ها تغییر نمی کند؛ چون خدا دانای کار درست است. ۶۰

بعضی دیگر از منافق ها پیامبر را اذیت می کنند و می گویند: «او خوش باور است!» بگو که این خوش باوری اتفاقاً به نفع خودتان است. او حرف خدا را می شنود و به آن عمل می کند و حرف شما مسلمانان را هم می شنود و بعد از بررسی، به آن ترتیب اثر می دهد. این طور، به مسلمانان واقعی لطف می کند. عذابی زجرآور هم در انتظار منافق هایی است که رسول خدا را اذیت می کنند. ۶۱

برای فریب دادنتان، به خدا قسم می‌خورند تا راضی تان کنند؛ درحالی‌که اگر واقعاً ایمان دارند، سزاوارترین است که خدا و به‌دنبال آن رسولش را راضی کنند. ۶۲ مگر نمی‌دانند که هرکس با خدا و رسولش دربیفتد، آتش جهنم در انتظار اوست که آنجا ماندنی است؟! بله، رسوایی بزرگ همین است! ۶۳

منافقان از این واژه دارند که سوره‌ای بر ضدشان فرستاده شود که نیت‌های شومشان درباره‌ی ترور پیامبر را به‌رویشان بیاورد! بگو: «به نفاق و مسخره‌بازی تان ادامه دهید تا خدا نقشه‌ی شومی را بر ملا کند که از فاش شدنش وا همه دارید.» ۶۴ اگر برای این سوءقصد بازخواستشان کنی، حتماً به تو می‌گویند: «داشتیم سر به سرتان می‌گذاشتیم و شوخی می‌کردیم!» بگو: «خدا و آیه‌هایش و پیامبرش را دست می‌اندازید؟!» ۶۵ عذر بدتر از گناه نیاورید؛ زیرا بعد از مسلمان شدن ظاهری تان، با این سوءقصد به پیامبر، بی‌دین شده‌اید! در عذاب دادنتان، اگر از فریب خورده‌هایتان هم بگذریم، سران فتنه‌گرتان را مجازات می‌کنیم؛ چون جرم آن‌ها مسلم است. ۶۶

البته مردها و زن‌های منافق سرورته از یک قماش اند: امر به منکر و نهی از معروف می‌کنند! از ترس کمک در راه خدا مشتشان را می‌بندند تا نم‌پس ندهند! خدا را به فراموشی سپرده‌اند؛ خدا هم آن‌ها را به فراموشی سپرده است؛ چراکه منافق‌ها همان افراد منحرف‌اند. ۶۷ خدا به مردها و زن‌های منافق و بی‌دین‌ها آتش جهنم را وعده داده است که همیشه آنجا ماندنی‌اند. همین برایشان بس است! خدا لعنتشان کرده و عذابشان ادامه‌دار است. ۶۸

حال و روز شما، مثل حال و روز منافق‌هایی است که قبل از شما زندگی می‌کرده‌اند. فقط فرقی این است که آن‌ها به مراتب از شما قوی‌تر بودند و اموال و اولاد بیشتری داشتند؛ برای همین، در لذت‌های مادی خودشان غرق شدند. شما از دنیای خودتان همان استفاده‌نابجا را می‌کنید که آن‌ها از دنیای خودشان کردند و همان‌طور که آن‌ها در منجلاب نکبت فرو رفتند، شما هم فرو رفته‌اید! اگر هم احیاناً کارهای خوبی از آن‌ها سر زده باشد، در دنیا و آخرت به هدر رفته است و سرمایه‌ی عمرشان را باخته‌اند. شما هم عین آن‌ها! ۶۹

مگر خبر نابودی اقوامی که قبل از آن‌ها زندگی می‌کرده‌اند، به گوششان نخورده است؛ یعنی قوم نوح، عاد، ثمود، ابراهیم، مردم شهر مدین^۱ و شهرهای زیوروشده^۲ قوم لوط؟! پیامبرانشان دلیل‌های روشنی برایشان آوردند؛ ولی آن‌ها نپذیرفتند و سزایش را چشیدند. خدا بنا نداشت که به آن‌ها بد کند؛ بلکه خودشان به خودشان بد می‌کردند. ۷۰

از طرف دیگر، مردان و زنان مسلمان دوستان و یاوران همدیگرند: امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، نماز را با آدابش می‌خوانند، صدقه می‌دهند و از خدا و رسولش پیروی می‌کنند. به همین زودی‌ها خدا از لطف خودش برخوردارشان می‌کند؛ چون خدا شکست‌ناپذیرِ کاردرست است. ۷۱ خدا به مردان و زنان بالیمان باغ‌های پردرختی را وعده داده است که در آن‌ها جوی‌ها روان است و آنجا ماندنی‌اند. همچنین، خانه‌هایی باصفا در باغ‌هایی همیشه‌سبز را. تازه، رضایت خدا از همه این‌ها برتر است و این است آن کامیابی بزرگ! ۷۲

۱. یعنی قوم شعیب.

پیامبر! در مقابله با بی‌دین‌ها و منافق‌ها همه تلاش را به‌کار ببند و بر آن‌ها سخت بگیر. جایگاهشان جهنم است و آن بد سرانجامی است! ۷۳

منافق‌ها به خدا قسم می‌خورند که مطالبی کفرآمیز و زنده برضد پیامبر نگفته‌اند؛ درحالی‌که نه تنها سخنانی کفرآمیز به‌زبان آورده‌اند و بعد از اسلام آوردنشان بی‌دین شده‌اند، بلکه توطئه ترور پیامبر را هم طراحی کردند؛ ولی در اجراش موفق نشدند. آن‌ها فقط برای این انتقام می‌گیرند که خدا و رسولش برایشان رفا و امنیت به‌ارمغان آورده‌اند! اگر توبه کنند، برایشان خیلی بهتر است. اگر هم همچنان از حقیقت رو بگردانند، خدا به عذابی زجرآور در دنیا و آخرت گرفتارشان می‌کند و دیگر روی زمین هیچ یار و یآوری نخواهند داشت. ۷۴

بین منافق‌ها هستند کسانی که با خدا عهد بستند: «اگر خدا از فضل و کرمش مال و منالی به ما بدهد، حتماً خمس و زکاتش را می‌پردازیم و درستکار می‌شویم.» ۷۵

اما همین‌که خدا از فضل و کرمش مال و منالی به آن‌ها داد، از پرداخت خمس و زکاتش خودداری کردند و با بی‌اعتنایی، از تعهدشان رو برگرداندند! ۷۶ خدا هم به‌سزای اینکه به عهدشان با خدا وفا نکردند و دروغگو از آب درآمدند، نفاق را در دل هایشان ریشه‌دار کرد تا روز مرگ که خدا را ملاقات کنند. ۷۷ مگر نمی‌دانستند که خدا رازها و حرف‌های درگوشی‌شان را می‌فهمد و خدا تمام اسرار را کاملاً می‌داند؟! ۷۸

آن‌ها به همه پرداخت‌کنندگان خمس و زکات نیش و کنایه می‌زنند: هم به مسلمانان ثروتمندی که خمس و زکاتشان را با رضا و رغبت می‌دهند، هم به مسلمانان کم‌توانی که از کمی خمس و زکاتشان ناراحت‌اند. بله، آن‌ها اینان را مسخره می‌کنند. ۳ خدا هم آن‌ها را مسخره می‌کند و عذابی زجرآور نصیبشان می‌شود. ۷۹

۱. به قول معروف، نمک می‌خورند و نمکدان می‌شکنند.

۲. مثلاً کسی پیش رسول خدا ﷺ آمد و گفت: «دعا کن خدا ثروت زیاد روزی‌ام کند.» فرمودند: «روزی کمی که بتوانی شکرش را بجا آوری، بهتر است از مال فراوانی که از عهده شکرش برنیایی.» آن مرد قسم خورد که... درآیه‌ها بخوانید. شکر عملی ثروت چیست؟ راکدنگه نداشتن سرمایه، دوری از زندگی پُریخت و پاش و مجلل، پرداختن حقوق واجب مال، کمک به نیازمندان. بنگرید: توبه، ۳۴ (ص ۱۹۲)، مؤمنون، ۴ (ص ۳۴۲)، نور، ۳۷ (ص ۳۵۵)، ذاریات، ۱۹ (ص ۵۲۱)، معارج، ۱۸ و ۲۴ (ص ۵۶۹) و...»

۳. مثلاً درباره ثروتمندان می‌گویند: «آن‌ها برای ریاکاری و خودنمایی خمس و زکات می‌دهند» و درباره افراد کم‌توان می‌گویند: «این چندرغازی که می‌دهند، به چه درد اسلام و مسلمان‌ها می‌خورد؟!»

برای منافق‌های خسیس و خرده‌گیر، چه آمرزش بخواهی چه نخواهی، فرقی به حالشان نمی‌کند. اگر صد بار^۱ هم برایشان آمرزش بخواهی، خدا هرگز نمی‌آمرزدشان؛ چون که این جماعت خدا و رسولش را باور نکردند. خدا دست چنین جماعت منحرفی را نمی‌گیرد. ۸۰

جاماندگان از جنگ تبوک، از خانه‌نشینی خود و پشت‌کردن به رسول خدا خوشحال بودند و دوست نداشتند که با مال و جانشان در راه خدا بجنگند. تازه، دیگران را هم این‌طور تحریک می‌کردند: «در این تابستان داغ به جبهه نروید!» بگو: «آتش جهنم خیلی داغ‌تر است!» البته اگر سرشان بشود! ۸۱ این منافق‌ها برای کارهای زشتشان، از جمله فرار از جبهه، اتفاقاً باید کم بخندند و زیاد گریه کنند! ۸۲

اگر خدا تو را از جنگ تبوک به سلامت برگرداند و دیدی گروهی منافق بدون اینکه در جنگ شرکت کرده باشند، برای حضور در جنگ دیگری از تو اجازه می‌خواهند، بگو: «شما هیچ وقت برای هیچ جنگی مرا همراهی نخواهید کرد و هیچ وقت در کنار من با هیچ دشمنی نخواهید جنگید؛ چون شما از همان اول از جنگ شانه خالی کردید. حالا هم مثل زنان و کودکان خانه‌نشین، در خانه بنشینید!» ۸۳
بر جنازه هیچ‌یک از آن‌ها هیچ وقت نماز نخوان و در کنار قبرشان، برای فاتحه خوانی نایست؛ چون که این جماعت خدا و رسولش را باور نکردند و در حال نافرمانی مردند. ۸۴

نکند مات و مبهوت اموال و اولاد فراوانشان شوی! خدا می‌خواهد با همین‌ها، زمینۀ عذاب را در دنیا برایشان آماده کند و جان‌کند نشان هم در حال دل‌بستگی به دنیا و بی‌اعتقادی به خدا باشد. ۸۵

وقتی سوره‌ای فرستاده شود که می‌گوید خدا را باور کنید و همراه پیامبرش به جبهه بروید، منافق‌هایی که توانایی کافی برای حضور در جبهه دارند، این‌طور بهانه می‌تراشند: «بگذار ما هم مثل خانه‌نشین‌ها در خانه بنشینیم!» ۸۶

۱. در متن آیه «سبعین مَرَّةً» آمده به معنای «هفتاد بار» و چون این عبارت کنایه از کثرت است، ما معادل فارسی امروزی‌اش را در ترجمه آورده‌ایم.

بله، به شدت تمایل داشتند که با زنان خانه نشین در خانه بمانند و مهر بدبختی بردل هایشان زده شود تا دیگر چیزی نفهمند؛ ۸۷ اما پیامبر و مؤمنان همراهش با جان و مالشان در راه خدا جنگیدند. هرچه خیر و خوبی هست، برای آنان است و آنان همان مردم خوشبخت‌اند. ۸۸ خدا برایشان باغ‌هایی پردرخت آماده کرده است که در آن‌ها جوی‌ها روان است و آنجا ماندنی‌اند. این است کامیابی بزرگ! ۸۹

برای گرفتن اجازه حضور در جبهه، حتی مردم ناتوان پیشت آمدند؛ ولی منافق‌هایی که توانایی کافی داشتند و به خدا و رسولش دروغ می‌گفتند، از حضور در جبهه شانه خالی کردند! این منافق‌های بی‌دین به زودی دچار عذابی زجرآور می‌شوند. ۹۰

افراد ناتوان و مریض و کسانی که پولی برای تهیه سلاح و تجهیزات سفر ندارند، اشکالی ندارد که به جبهه نیایند؛ به شرط آنکه در پشت جبهه، با پشتیبانی از رزمندگان اسلام، خیرخواه خدا و رسولش باشند. به این مردم وظیفه شناس ایرادی وارد نیست و خدا آمرزنده مهربان است. ۹۱

همچنین، رزمندگانی که وسیله سواری ندارند، اشکالی ندارد که به جبهه نیایند؛ همانانی که وقتی پیشت آمدند تا مرکبی برایشان تهیه کنی و تو گفتی: «چیزی در دست و بالم نیست تا بر آن سوارتان کنم»، از شدت غصه با چشمانی اشک‌بار، از پیشت برگشتند که چرا خودشان پولی ندارند تا وسیله‌ای دست‌وپا کنند! ۹۲

ایراد فقط بر کسانی وارد است که با داشتن توانایی کافی، باز هم برای نیامدن به جبهه از تو عذر و اجازه می‌خواهند! بله، به شدت تمایل داشتند که با زنان خانه نشین در خانه بمانند. خدا هم بردل هایشان مهر بدبختی زد تا دیگر چیزی نفهمند! ۹۳